

بیگنا

شماره مسلسل ۳۳۳

شماره دوم

اردیبهشت ماه ۱۳۵۵

سال بیست و نهم

افغانستان در پنجاه سال اخیر و روابط ایران و افغانستان*

جلالتمایبان کرامی استادان ارجمند و دوستان عزیز

چندی قبل هنگامی که یکی از دوستان پیشنهاد نمود که در فرصت مساعد درباره مناسبات سیاسی بین ایران و افغانستان سخنرانی کنم بدون آن که در مورد دقت بیشتری به خرج دهم جواب دادم بلی اشکالی ندارد هر موقعی که خواسته باشید حاضر خواهم بود. این جواب البته اشتباه بزرگی بود زیرا بدون آن که در موقع درك کرده باشم خودم را در مقابل وقایع و مسایلی قرار دادم که بیست و پنج سده از تاریخ بشر را احتوا می کند.

حضرت زلمی محمود غازی سفیر کبیر افغانستان در ایران در باره روابط ایران و افغانستان در دانشگاه طهران (۴/۱۲/۱۳۵۴) سخنرانی بلیغ و لطیفی فرمود با زبان دری و لهجه شیرین و ساده خودمانی.

این نخستین خطابه سفیری است از کشور عزیز افغانستان در دانشگاه ایران، و نخستین متن تمامی است از این خطابه که مجله نیما افتخار انتشار آن را دارد. مجله نیما



سفیر کبیر افغانستان در هنگام نطق
دکتر نهاوندی رئیس دانشگاه طهران

اینک امروز با طلب معذرت از سروران گرامی که با حضور به هم رسانیدن شان موجب افتخار من گردیده اند باید اعتراف کنم که گذشته از تاریخ باستانی هر دو کشور که قسمت هایی از آن را می توان تاریخ مشترک نامید مطالعه ای تنها همین قسمتی که سالهای بعد از استرداد استقلال افغانستان را احتوا می کند کار ساده و بی درد سری نیست .

چنانچه شنوگان گرامی اطلاع کامل دارند بعد از مرور قرن ها هر دو کشور

ما در سالهای اول قرن ۱۹ مسیحی مواجه با جریاناتی می گردند که ریشه های آن را نباید در منطقه خودمان بلکه در پایتخت های در آن موقع دوردست دو امپراتوری بزرگ اروپائی جستجو نمود. گسترش تدریجی قدرت و سلطه بریتانیا در نیم قاره هند از جانبی و نزدیک شدن نفوذ امپراتوری روس تزاری به سوی مرزهای شمالی ما از جانب دیگر آن هم درست در موقعی که دنیای غرب از فر آورده های انقلاب صنعتی بهره برداری می کردند مردم کشورهای ما را در مقامی قرار دادند که حواس و نیروهای محرکه ما بیشتر متوجه بد رفع فشارهای سیاسی و نظامی گردید که دو امپراتوری بزرگ آن زمان بر بنیه های نسبتاً ضعیف ما وارد می کردند. نارسائی ها و بیچارگی های ما اصلاً پیشتر نیز در اثر اختلافات داخلی به صورت مایوس کننده ای تبارز می کردند در دوران این سالها در اثر تحریک بیگانگان که در ضمن در تفرقه اندازی مهارت به سزائی داشتند مناسبات دو جانبه کشورهای ما را بجائی رسانیدند که دولت هم کیش هم نژاد و هم آئین یعنی دولت به تمام معنی برادر حقایق تاریخی را فراموش نموده در مراحل اول به دشمنی علنی و بالاخره به یک نوع بی علاقگی نسبت به هم دیگر متوسل شدند. همان بود که به صورت تدریجی مناسبات بازرگانی و اقتصادی ما نیز از مناسبات سیاسی پیروی نموده و کار به جائی کشید که راه های سنتی تجارت و رفت و آمد تقریباً به کلی فراموش شد. و معاملات افغانستان با دنیای غرب از راه بندرها و غالباً توسط بازرگانان هند برتانوی صورت می گرفت.

دوستان عزیز ،

درست به خاطر دارم که در همین اواخر جنگ جهانی دوم مسافرتی از راه ایران به ترکیه و از آن جا به امریکا در پیش داشتم. راه کابل تا تهران نه تنها در افغانستان بلکه در داخل ایران نیز خط مبهمی بود که بر روی دشت و صحرا کشیده بودند، وسایل استراحت اصلاً وجود نداشت، در شاهرود مرد بزرگوار می که در آن زمان فرماندار منطقه بود در منزل شخصی خود دو اتاق برای استراحت ما

آماده نمود. کاش نام آن شخص نیکوکار و مهمان دوست به خاطر من می بود ولی اکنون با گذشت سالها با آن که نام ها فراموش گردیده اند خاطره مهمان نوازی بی تکلف آن شخص نجیب در ضمیرم روشن است .

معذرت می خواهم از موضوع دور شدم آن چه آرزو داشتم به عرض برسانم این است که با وجود تمام احساسات برادری که همواره موجود بوده و در ظرف سال های اخیر ایرانی و افغانی را به هم نزدیک و نزدیک تر می سازد سال هائی سپری شدند که ما از حال هم دیگر بی خبر ماندیم فرهنگ مشترك خویش را داخل چهار چوب - هائی کردیم که تنها چوب ارزش پیدا کرد و آن چه در داخل آن بود به کلی از نظر افتاد .

خوشبختانه باید بگویم که این وضع دائمی نشد اشخاصی در هر دو کشور بودند که با درك اهمیت موضوع مناسبات بین ایران و افغانستان را نادیده تلقی نمودند و کمر همت به آن بستند که به همگان تفهیم نمایند که مناسبات سیاسی دو کشور باید در مرحله ای قرار داشته باشد که اعمال ناشایسته دو قاجاق بر و یا دو هنگامه جو به هیچ صورتی نتواند مانع گسترش روابط برادرانه دو ملت باشد . مثال های نهایت برجسته این طرز تفکر مثبت امروز خوشبختانه هم در ایران و هم در افغانستان تبارز می نمایند . شخصیت رهبران عالی قدر ما چه در ایران و چه در افغانستان اکنون موقع را برای هر گونه سوء استفاده ییکانگان تنگ و تنگ تر گردانیده است .

دوستان گرامی ،

اکنون اجازه دهید صحبت مختصری در مورد روابط دو کشور در مدتی اندک بیشتر از پنجاه سال اخیر را مورد مذاقه قرار دهیم .

به طوری که اطلاع دارید استرداد استقلال افغانستان بعد از جنگ اول جهانی میسر گردید . پیش از آن ماحق دائر نمودن نمایندگی های سیاسی حتی در کشورهای همسایه خود را نداشتیم . با وجود این که به ییکانگان هیچ موقعی فرصت داده نشد

که اموراتداری داخلی کشور ما را طوری که دلخواه شان بود در تصرف خود بیاورند
 نرتیبائی موجود بود که به اساس آن افغانستان ناگزیر بود همواره از راه دهلی که
 در آن موقع مسند قدرت امپراتوری عظیم انگلیس در منطقه ما بود مناسبات
 خویش را با همسایگان چه رسد به کشورهای نسبتاً دور دست تا حدی هم نوا سازد.
 استرداد استقلال افغانستان تقریباً مصادف با همان سال هائی می شود که شخصیت
 بارز و برجسته اعلیحضرت شاهنشاه فقید ایران بنیاد دودمان پهلوی را در ایران
 مستقر نموده و اساسات ایران کنونی را پی ریزی می فرمایند. رهبران عالی قدر
 آن زمان ما یعنی اعلیحضرت رضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امان الله
 خان غازی پادشاه افغانستان هر یکی با عشق و علاقه بیشتر از حد توصیف آرزومند
 پیشرفت های سالم و معقول کشورهای شان به سوی تمدن و انکشاف هر چه بیشتر
 و زود تر در نتیجه رفاه ملت های شان بوده اند. همان بود که بعد از استرداد استقلال
 افغانستان در دی ماه ۱۳۰۰ جناب میرزا نصرالله خان اعتلاء الملک خلعتبری به حیث
 اولین نماینده ایران به رتبه وزارت مختاری سفارت شاهنشاهی را در کابل تأسیس
 نموده و از سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱ به حیث سفیر کبیر ایفاء وظیفه نمودند.

چندی قبل یکی از دوستان عکسی نهایت جالب به منزل من آورد که در آن
 مشاهده می گردد که در روز تأسیس سفارت شاهنشاهی در کابل اعلیحضرت امان الله
 خان غازی پرچم ایران را به دوش انداخته و همچنان جناب خلعتبری پرچم افغانستان
 را به دوش گرفته و بدین صورت در کنار هم عکس گرفته اند.

امروز خوشبختانه فرزند ارجمند آن شخص با ایمان و با عقیده به حیث
 وزیر محترم امور خارجه شاهنشاهی ایفاء وظیفه می کنند و در طرح ریزی مناسبات
 برادرانه ای که به اساس اراده متین رهبران عالی قدر ما بین دو کشور موجود گردیده
 همیشه سهم نهایت با ارزشی داشته اند.

مناسبات دو کشور در زمان اعلیحضرت فقید امان الله خان غازی که خودشان
 شخصاً احترام و علاقه خاصی به اعلیحضرت رضا شاه کبیر داشتند به زودی توسعه

یافته و دولت افغانستان نیز مانند برادران ایرانی و ترك ما در تلاش آن شد که يك سلسله تحولات عمیق اجتماعی و اقتصادی را در افغانستان روی دست گیرد ، متأسفانه در آن زمان عده‌ای از مردم ما هنوز آماده نبودند که چنین تحولات اساسی را به صورت واقع بینانه قبول کنند . و در نتیجه انقلاب خانمانسوزی در سراسر افغانستان در گرفت که نتایج آن چه از نظر مالی و چه از نقطه نظر اقتصادی مملکت را به عقب انداخت .

به طور مثال می توانم خدمت دوستان گرامی گزارش دهم که من خودم موقعی که هنوز بیشتر از پنج سال نداشتم که به اتفاق مادرم که لباس غربی پوشیده و چادر را کنار انداخته بود برای دیدن بازی تنیس در قریهٔ پغمان که در آن موقع حکم شمیران را نسبت به تهران داشت رفتیم . به هر حال انقلاب آمد و هر چه را داشتیم یا نداشتم از بین برد . نهضت بانوان نیز مانند بسیار مسائل دیگر اجباراً بیشتر از سی سال دیگر به تعویق افتاد تا آنکه رهبر مدبر ما حضرت رئیس جمهوری افغانستان که در آن زمان به حیث نخست وزیر ایفای وظیفه می نمودند با در نظر گرفتن تمام حساسیت ها و حتی تعصبات گوناگون امر و اراده فرمودند که با رفع چادر زنان افغانستان از حق مسلمی که خداوند به آفریدگان خویش ارزانی فرموده با دلی پر از امید استفاده نموده و در کنار شوهران و برادران خویش در راه تأمین آیندهٔ مملکت قدم بردارند .

خوشبختانه دورهٔ پر آشوب انقلاب آن زمان افغانستان به زودی رفع گردید و در ظرف کمتر از يك سال آشوب گران و اختلال انگیزان به جزای اعمال خود رسیدند .

شاید مورد علاقهٔ دوستان باشد که در این قسمت سخنرانی دوستانه خود علاوه کنم که هنگامی که اعلیحضرت محمد نادر شاه فقید به مسند سلطنت قرار گرفتند افغانستان کشوری بود متلاشی از هم و از هر نقطه نظر مواجه با فقر و پریشانی . هزینهٔ دولت به کلی نابود گردیده بود ، نیروهای نظامی فاقد اسلحه و مهمات

بودند، عناصر ارتجاعی در هر گوشه و کنار مملکت گردن فزازی می کردند با این هم خداوند به داد ما رسید و پادشاه مهربانی که قبلاهم از راه شهادت و از خود گذری قلوب مردم مردم را به دست آورده بود توان آن یافت که افغانستان را دوباره از پرتگاه مهیب نابودی نجات دهد .

یکی از اساسات عمده سیاست نادر شاه غازی این بود که مناسبات دوستانه و برادرانه بین افغانستان و ایران را بر پایه مستحکم تری برقرار سازد همان بود که بر اساس اراده رهبران بزرگ آن زمان ما اعلیحضرت رضاشاه کبیر و اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی بنیاد و اساسات پیمانی را که بالاخره به نام پیمان سعدآباد یاد گردید طرح ریزی فرمودند .

متأسفانه قبل از آن که پیمان سعدآباد و مندرجات آن روی کاغذ ثبت گردد و یا به امضاء برسد اعلیحضرت نادر شاه غازی به شهادت رسیدند و چند سال بعد آتش جنگ دوم جهانی که از اروپا زبانه کشید کشورهای ما را نیز با سراسیمه گی ها و مشکلات اقتصادی گوناگونی مواجه گردانید .

چون سخنرانی ما جنبه بکلی خودمانی دارد شاید شنوندگان گرامی اجازه دهند خاطره دیگری را نیز از زمان کودکی بعرضشان برسانم :

درست بخاطر دارم که در سالهای بین ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۷ در زمانی که جناب آقای علی اکبر بهمن سفیر کبیر ایران در کابل موظف بودند و الاحضرت سردار محمد هاشم خان بحیث نخست وزیر افغانستان اجرای وظیفه می کردند و الاحضرت ممدوح که بحیث یکی از اشخاص نهایت برجسته تاریخ معاصر ما شناخته شده اند همیشه روزهای جمعه را در یکی از باغهای اطراف کابل بسر میبردند . ساز و آوازی ترتیب میشد ، نهار میامیگریدید و عده ای از وزرا و دوستان شخصی شان در چنین روزها شرکت میورزیدند. منم که هنوز در آن موقع پسر خردسالی بودم با پدر مرحومم که برادر کوچکتر و وزیر جنگ کابینه شان بودند هر جمعه حاضر میشدم. جالب این است که در این محافل جناب آقای بهمن سفیر کبیر و

نماینده فوق‌العاده اعلی حضرت شاهنشاه ایران هر هفته حضور بهم می‌رسانیدند.

حالا تصور بفرمائید سفیری که هر روز جمعه با خاطر آسوده و بدون هیچ گونه تعارفاتی روز تعطیل هفته را با نخست وزیر يك کشور همسایه سپری مینماید و در هر موردی سخن میگوید و در هر صحبتی بصورت دوست و برادر اظهار عقیده می‌کند چگونه حائلی را در راه انجام وظیفه خویش برای تأمین دوستی و برادری می‌تواند ملاحظه کند؟

منافع هر دو کشور ما در همان زمان نیز مشترك بود البته باید قبول کنیم که امروز هم است و در آینده نیز خواهد بود به عقیده من این یکی از مثالهای نهایت برجسته پایداری حسن نیت، تفاهم دو جانبه و همکاری بی شائبه بین دو ملت همجوار و برادر است. در دوران سالهای بعد از جنگ دوم جهانی وضع عمومی افغانستان نسبتاً بهتر بود و به استثنای مشکلاتی که برای یافتن راه حل مسئله‌ای که با پاکستان داشتیم و هنوز هم متأسفانه داریم وقایع دیگری آنقدر مزاحم ما نگردید.

ملت برادر ما ایران در دوران این سالها با مشکلات بزرگتری مواجه گردید و درست به تعقیب همین سالها بود که متأسفانه فاصله‌ای در صحنه مناسبات کشورهای ما رونما گردید.

موضوع تقسیم عادلانه آبهای رود هیرمند که از نظر ما همواره اهمیت بکلی فنی داشت از نقطه نظر بعضی از دوستان ایرانی ما بیشتر به صحنه سیاست کشانیده شد ولی این موضوع که امروز خوشبختانه در اثر حسن تدبیرهای دوستانه حل گردیده دیگر دارای هیچ گونه اهمیتی نیست در دوران چند سال مناسبات دو کشور را نسبتاً سردتر گردانیده بود. بهر حال آن روزها گذشت و اکنون با اجازه دوستان گرامی داخل مرحله‌ای می‌گردیم که با روی کار آمدن رژیم جدید افغانستان مناسبات دو کشور همسایه در راهی گسترش می‌یابد که باید اطمینان داشته باشیم آینده نهایت درخشان و با رونق در انتظار آنست.

دوستان گرامی ،

هنگامی که رژیم تازه در افغانستان روی کار آمد اینجانب بحیث سفیر در لندن اجرای وظیفه می کردم. دوسه هفته بعد به اساس امر دولت بکابل مراجعت نموده و به خدمت حضرت رئیس دولت شرفیاب گردیدم. درست در همان موقع مقرری های تازه ای در بعضی از سفارت ها صورت می گرفت و حضرت رئیس دولت امر و اراده نمودند که خواهش اگریمان من بدر بار شاهنشاهی تقدیم گردد.

البته با سابقه کار مستقیم با جناب رئیس دولت و درک این حقیقت که ایشان در مورد گسترش مناسبات ما با ایران همواره نظر خاصی داشته اند این وظیفه با اهمیت را با کمال مسرت و افتخار قبول نمودم . هنگامیکه به تهران رسیدم با خوشحالی مشاهده کردم که دژ کشور دوست و برادر ما ایران نیز عین آرزومندی برای گسترش مزید مناسبات دوستانه موجود است باین صورت پیشبرد این وظیفه بزرگ کار گوارایی گردید که اذهر روز و حتی هر لحظه آن احساس شادمانی کردم .

با داشتن زبان مشترك فرهنگ مشترك و حتی عرف و عادت بهم مانند انسان اصلا احساس بیگانگی نمی کند .

خوشبختانه در زیر این شرایط بود که من وظیفه خویش را در سرزمین زیبای سعدی و حافظ ، فردوسی و خیام و صدها شاعر و نویسنده توانای دیگر که ما از کودکی با آنان آشنائی پیدا میکنیم آغاز نمودم. با وصف این همه وجه های مشترك حقیقت امر در اینجا قرار دارد که هنگامیکه رهبران غالب قدر دو کشور تصمیم گرفته باشند در راه مودت و برادری، همکاری وهم آهنگی قدم به قدم پیش بروند دیگر کار سفیر و یا کارمندان سفارت با اشکالی مواجه نمی گردد.

درست به خاطر دارم موقعی که برای بار اول در دفتر جناب نخست وزیر امیرعباس هویدا حاضر شدم ایشان ضمن صحبت به نکته ای اشاره فرمودند که یقین دارم در طول زندگی همواره بخاطرم خواهد بود . جناب نخست وزیر فرمودند که

در مناسبات باهمی دو کشور همسایه که مرزهایشان بطول صدها کیلومتر روی دشتها و صحراها کشیده شده ناممکن است واقعات و حوادث کوچکی که سرقتنه آن بیشتر دزد و قاچاق بر است وقتافوقتا رخ ندهد. ولی اینگونه مسائل را نباید بیشتر از جزئیات و وقایع بی ارزش تلقی نمود باید طرز کار ما چنین باشد که با وا گذاشت چنین مسائل به مامورین محلی خود ما بیشتر در پی پیشبرد کارهای اساسی خویش باشیم.

در روابط نوین ایران و افغانستان باید چند مرحله را به صورت بارزتر مورد مطالعه قرار دهیم :

۱- بازدید دوستانه جناب آقای محمد نعیم برادر و مشاور خاص رئیس دولت ما که در اوایل سال ۱۳۵۳ صورت گرفت. جناب محمد نعیم که یکی از اشخاص برجسته مملکت ما هستند و سالها بحیث وزیر معارف و سفير کبير در پایتختهای کشورهای اروپائی و امریکائی و بالاخره بحیث وزیر امور خارجه و معاون نخست وزیر اجرای وظیفه نمودند در دوران مسافرت خویش در تهران بحضور اعلیحضرت همایون شاهنشاه شرفیاب گردیده و با جناب آقای نخست وزیر و جناب آقای وزیر امور خارجه مذاکراتی انجام دادند. بتعقیب این مذاکرات رفت و آمدهای نهایت سودمندی به پایه های بلند بین دو کشور صورت گرفت که نتیجه آن همکاری های وسیع و دامنه داری است که قسمتی از آنها همین اکنون روی دست گرفته شده و قسمتی تحت مطالعه و بررسی قرار دارد.

۲- بازدید مهم دیگر مسافرت جناب آقای فریدون مهدوی وزیر بازرگانی آن زمان که اکنون بحیث وزیر مشاور و قائم مقام حزب رستاخیز ملت ایران اجرای وظیفه مینمایند به افغانستان است. جناب آقای مهدوی که در راس هیئت عالی رتبه ای به افغانستان مسافرت نمودند اساسات فنی همکاری های دو جانبه را بنیاد گذاری نموده و در طی مذاکرات ایشان خطوط اساسی این همکاری ها تثبیت گردید.

۳ - مسافرت های جناب علی احمد خرم وزیر برنامه ریزی افغانستان مذاکراتی را پیرامون این همکاری ها در برداشت . اکنون وزارت برنامه ریزی افغانستان قسمتی از مطالعات فنی و تکنیکی پروژه های مختلف را تکمیل نموده و قسمتی را نیز بزودی بررسی خواهد کرد .

۴ - مسافرت جناب آقای خلعتبری وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی از هر نقطه نظر سودمند و با ارزش بود. در دوران این مسافرت طرح ریزان سیاست خارجی هر دو کشور فرصت یافتند که نه تنها روی مسائل موردعلاقه کشورهای خود ما بلکه روی همه مسائل بین المللی در سطح منطقه ای و جهانی مذاکره فرمایند و از طرز دید همدیگر آگاهی یافته و به موافقت هائی نائل گردند .

یکی از نتایج سودمند این بازدید آن است که از تبادل افکاری به صورت مداوم بین وزارت خانه های امور خارجه هر دو کشور در موضوعات مختلف جهانی و منطقه ای با یکدیگر برخورداریم . بطور مثال بعرض رسانیده میشود که معاون سیاسی امور خارجه ما آقای وحید عبدالله تا حال چندین مرتبه در تهران توقف نموده و با اولیاء امور سیاست خارجی ایران تبادل افکار دوستانه کرده اند .

در اواسط بهار امسال مسافرت دوستانه با اهمیتی صورت گرفت که یقین دارم نقش آن در مناسبات بین دو کشور همواره منعکس خواهد شد . در اوائل اردیبهشت ماه امسال حضرت محمد داود رئیس دولت جمهوری افغانستان بدعوت دوستانه اعلیحضرت شاهنشاه ایران به تهران تشریف آورده و با گرم جوشی برادرانه استقبال گردیدند . در این مسافرت ملاقات ها و تبادل افکار نهایت با اهمیت بین رهبران عالیقدر دو کشور صورت گرفت . از طرف دیگر رئیس دولت ما احساسات برادرانه مردمان شهرهای تهران اصفهان و شیراز را به چشم خود ملاحظه نموده و با خاطرات نهایت نیکی از بازدیدهای شان در ایران بوطن مراجعت فرمودند .

دوستان عزیز ،

ساحه همکاری‌هایی که اکنون بین دو کشور روی دست گرفته شده نهایت وسیع و دامنه‌دار است که تصور میکنم تذکار هر یکی از آنها سخنرانی را بسیار طولانی میسازد. شاید تنها ذکر چندی از این همکاری‌های وسیع برای مثال کافی باشد: این همکاری‌ها در صحنه استفاده علمی از آبهای رود هیرمند، مطالعه و ساختمان راه آهن افغانستان، ساختمان راه‌های ترانزیتی، احداث کارخانه‌های سیمان و شکر و روی دست گرفتن پروژه‌های عظیم دامداری و زراعتی و غیره صورت خواهد گرفت. بعقیده اینجانب امروز خوشبختانه در مرحله‌ای قرار داریم که افق مناسبات برادرانه بین دو کشور ما نهایت روشن به نظر جلوه میکند و حسن تفاهم از هر موقع دیگری بیشتر است و رفت‌آمدهای مرتب این تفاهم را عمیق‌تر میگرداند.

دوستان گرامی ،

اینک با اظهار سپاسگزاری عمیق از دانشگاه تهران و رئیس محترم آن جناب آقای دکتر هوشنگ نهادندی و رئیس محترم مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران که فرصت را برای این سخنرانی دوستانه علی‌الخصوص در این روز که پنجاه سال از استقرار روابط دوستانه و برادرانه و ایجاد روابط دیپلماتیک بین ایران و افغانستان می‌گذرد مهیا نموده‌اند با آرزوی دوام و گسترش هر چه بیشتر مناسبات برادری بین دو کشور همکیش و هم‌زبان و هم‌آئین از بارگاه خداوند بزرگ سخنرانی خود را به پایان میبرم.

متشکرم

